



## نگاهی به حق بر آموزش سلامت به عنوان حق شهروندی

فروغ قاسمیان هفشجانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
ggasemiyanarezo@gmail.com

یاسر روستایی حسین آبادی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)  
Yasserroostaei@yahoo.com

### چکیده

مهم‌ترین مسئله‌ای که دولت در جهت صیانت علمی و پاسداری از حقوق شهروندی بر عهده دارد مبارزه با مفاسد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اداری است. در زمینه حقوق شهروندی و تعامل دولت‌های نوین که در سه گفتار «دولت رفاه»، «دولت تنظیمی» و «دولت فرانتظیمی» ارائه می‌شود زمینه بحث برای نظارت بر مقامات و دستگاه‌های اداری فراهم گردد. در پایان کنترل عملکرد دولت جهت حمایت از حقوق شهروندان تحلیل و راه‌های مقابله با فساد اداری بررسی می‌شود. در واقع در حقوق شهروندی، ملت و آحاد مردم، با دولت دارای مسؤولیت مشترک هستند. بسیار مهم است که توجه کنیم در همه‌ی مصادیق حقوق شهروندی، معمولاً تضاد منافع، یکی از موانع اجرا و تحقق حقوق شهروندی است. اقتضای اقتصاد مسکن برای تولیدکنندگان، افزایش سود است. حال آن‌که بهره‌مندی شهروندان از مسکن مناسب، بدون پرداخت کردن بهای متناسب، امکان‌پذیر نیست. رعایت معیارهای زیست‌محیطی، موجب افزایش هزینه‌هاست. قواعد دادرسی عادلانه، مانع از دست‌اندازی دولت به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی است. این‌ها همه جزو عواملی است که مانع از تحقق کامل حقوق شهروندی می‌شود. آن‌چه امکان رفع این موانع را فراهم می‌کند، مسؤولیت شهروندی است. از این منظر، مسؤولیت شهروندی را می‌توان به خودآگاهی مردم به حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق و مشارکت در آن، تعریف و تعبیر کرد.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق بشر، حق شهروندی، تعهد دولت، حق بر آموزش و پرورش



### مقدمه

برای دستیابی به سطوح بالای توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، هر جامعه‌ای به نیروی انسانی سالم و تحصیلکرده و آگاه به حقوق اجتماعی، سیاسی و مدنی خود نیاز دارد. آگاهی جامعه و دستیابی به حقوق شهروندی در یک فرآیند کوتاه مدت یک ساله و حتی یک دهه‌ای امکان پذیر نیست، بلکه آموزش حقوق شهروندی به عنوان یکی از الزامات و پیش نیازهای توسعه انسانی، اجتماعی و سیاسی باید مستمر باشد. و برنامه ریزی کرد. در نظام اجتماعی خانواده نظام آموزشی باید نهادینه شود (آموزش و پرورش، دانشگاه، سازمان‌های مردم نهاد و...) اما آنچه مشخص است به ساختار و محتوای نظام آموزشی و بلندمدت بودن برنامه‌های آموزشی است. برای نسل کودک، نوجوان و جوان جایگاه ویژه‌ای در مقایسه با سایر نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی دارد. با توجه به انتظاراتی که از نظام آموزشی در زمینه رشد همه جانبه مهارت‌ها و توانایی‌های انسانی وجود دارد، به نظر می‌رسد تربیت اجتماعی و در نتیجه تربیت مدنی از اهمیت اساسی برخوردار باشد. امروزه به دلیل مسائلی مانند تمرکززدایی قدرت، گسترش فوق العاده فناوری اطلاعات، دهکده جهانی و مشکلات رایج جهانی مانند آلودگی محیط زیست، صلح و امنیت جهانی، آموزش شهروندی نه تنها در سطح ملی و محلی مورد نیاز است (هلد ۲، ۱۹۹۵: ۳۶). در تعریف شهروندی و آموزش شهروندی، شهروندی به حقوق و روابط افراد و همچنین روابط آن‌ها با دولت و سایر شهروندان اطلاق می‌شود و می‌توان گفت شامل سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. و حقوق جنسیتی.. در حالی که شهروندی شامل حقوق است و با مجموعه‌ای از تعهدات نسبت به آن‌ها متعادل می‌شود، این هویت شهروندی است که شهروندان را آگاه می‌کند و آن‌ها را به تعهدات خود متعهد می‌سازد. بنابراین با توجه به اینکه همگان به ویژه نوجوانان و دانش آموزان بخش زیادی از جامعه را تشکیل می‌دهند، باید به مفهوم شهروندی توجه ویژه‌ای شود. دانشجویان و جوانان به عنوان اعضای تحصیل کرده جامعه از طریق آگاهی جمعی و عمومی در معرض تعاملات بسیاری قرار دارند. بنابراین آگاهی از حقوق آن‌ها اساساً راهی برای انجام وظایف و تکالیف آنهاست (شیانی، ۱۳۹۴: ۴). آموزش شهروندی مفهومی متنوع با ابعاد مختلف مانند مسئولیت پذیری است. اتحاد و تفاهم ملی، مدارا، مشروعیت، آگاهی اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح، اتحاد و همدلی، تفاهم سیاسی، مهارت‌های زندگی، از جمله برابری و تنوع. مسئولیت هر شهروند در قبال عموم و منافع هر یک از همشهریان خود، نقش اصلی در تعیین و اجرای مفهوم شهروندی است. بومیان مردم واقعی هستند. بنابراین انسانیت آن‌ها بر شهروندی آن‌ها مقدم است. موقعیت ذاتی اگر فرد را در فضای اجتماعی که عنوان شهروند در این لحظه در آن قرار دارد قرار ندهد هیچ فایده‌ای برای فرد ندارد. در این شرایط مناسب است از حفظ حق یا تضییع حق یک فرد به عنوان شهروند صحبت کنیم. یک فرد، یک شهروند، دارای مجموعه‌ای از حقوق اساسی و حقوق اساسی است که اساس و مبنای این حقوق بشر است. نظافت شهر و محیط زندگی، رعایت حقوق دیگران، رعایت قانون راهداری و عدالت در اولویت همه امور شهروندی، آموزش بهداشت عمومی و دفع صحیح زباله و سایر مواردی که باید از دوران کودکی از طریق آموزش مدیریت شود.

### ۱. شهروند

کلمه فرانسوی «شهروند» از شهر (citata) و نقل از کلمه لاتین civitas می‌آید که با کلمه یونانی (polis) مطابقت دارد (پلو، ۱۳۷۰: ۱). واژه شهروند واژه‌ای جدید در ادبیات ماست به طوری که حتی در فرهنگ‌های رایج مانند فرهنگ معین و امید نیز تحلیل نمی‌شود. در فرهنگ مدرن، شهروند به معنای «ساکن شهر یا کشور» است و در فرهنگ جدید فارسی، شهروند به «کسی که در شهر یا کشوری زندگی می‌کند و تعریف کرده است» گفته می‌شود. حقوق مرتبط «ممکن است» همچنین در فرهنگ علوم سیاسی، شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی کشور برخوردار باشد» (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۳). در مورد شهروندی به عنوان یک طبقه اجتماعی، این ایده‌ای است که در اروپای غربی سرچشمه گرفت و با گسترش آن در قرن شانزدهم گسترش یافت. مفهوم شهروندی به طور کلی برای جامعه شناسی بسیار مهم است. و در ملاحظات سیاسی و اجتماعی مشهودتر است. عضویت در یک ملت منجر به برقراری حقوق برابر مبتنی بر عدالت

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی. مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۰۶-۹ داخلی ۲۳۶ و ۲۳۳



دانشگاه آزاد اسلامی مراغه مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فراژوئی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



می‌شود. شهروندی مبنایی است که به همه افراد جامعه کامل داده می‌شود و این افراد بر این اساس دارای مناصب و حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایی هستند. در واقع تابعیت شرطی است که مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و مسئولیت‌ها را در بر می‌گیرد و متضمن برابری، عدالت و استقلال است. امروزه شهروندی به شدت متأثر از ایده انسان بالغ، توانایی‌های او و نحوه مشارکت و مشارکت او در محیط و آینده زندگی انسانی و اجتماعی است (قادری، ۱۳۸۹، ۴۶).

### ۲-۱. حقوق شهروندی

در کشورهای غربی حقوق شهروندی مشمول علوم سیاسی است و به حقوق شهروندی برای مشارکت در امور کشور مربوط می‌شود و چون عناصر مختلفی را در بر می‌گیرد به حقوق سیاسی و حقوق شهروندی بسیار نزدیک است. حقوق مدنی شامل حقوق اساسی و اساسی همه افراد بشر است. در مورد نام شهر و روستا به هیچ وجه قاعده‌ای وجود ندارد. از این رو، حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق در قلمرو حکومتی است که هر سطحی از اهمیت برای شهروندان آن قلمرو شناخته شده باشد (صادق منش، ۱۳۸۶: ۱۳۹۷). در تعریف اساسی شهروندی، عضویت یک شهروند در چارچوب یک دولت ملی با تاکید بر حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی هر شهروند همراه است. بنابراین به این گونه حقوق مجموعه حقوق شهروندی می‌گویند.

### ۳-۱. نگاهی گذرا به پیشینه و تحولات حقوق شهروندی در غرب

مفهوم شهروندی را می‌توان به یونان باستان نسبت داد. این مفهوم در مورد کسانی که به دلیل زندگی در دولت شهر از حقوق سیاسی برخوردارند به کار رفته است (علیدوستی، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۰). مفهوم شهروندی در معنای قدیمی خود به معنای برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت فعال سیاسی بود. در گذشته، شهروند بودن به معنای توانایی حکومت و اداره شدن بود، که به وضوح همان چیزی بود که مردان آزاد می‌توانستند انجام دهند. در روم باستان شهروندان یک کشور به دو دسته تقسیم می‌شوند: شهروندان رومی‌های اصیل هستند که از حقوق و امتیازات بیشتری برخوردارند. اقوام و ملل دیگری که توسط دولت روم اداره می‌شدند. به افراد و گروه‌هایی که در خدمت رم هستند، شهروندی بدهید. (فلاح زاده، ۱۳۸۶: ۵۰). افلاطون اولین فیلسوف سیاسی بود که مفهوم شهروند را در اندیشه سیاسی مورد بحث قرار داد. افلاطون در کتاب جمهوری که الگوی شهر بزرگ را ارائه می‌کند، مردم را یکی از محورهای اصلی استقرار حکومت و حکومت خوب قرار می‌دهد. ارسطو نیز از شهروندی صحبت می‌کند و شهروند را فردی می‌داند که در حکومت و فرمانبرداری شرکت می‌کند. ارسطو شهر را جامعه‌ای متشکل از شهروندان تعریف می‌کند.

اگرچه امروزه حقوق شهروندی پدیده‌ای جدید تلقی می‌شود، اما آموزه‌های کهن فلسفی و آموزه‌های دینی ادیان توحیدی مانند مسیحیت و اسلام اکنون بر صحت آن گواهی می‌دهند. نقش آموزه‌های دینی به ویژه در زمینه حقوق طبیعی و فطری را نمی‌توان در شکل‌گیری شکل جدید این مفهوم در غرب انکار کرد. (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۶-۵). شهروندی در مفهوم کنونی خود را می‌توان ایجاد چشم اندازی ارتقا یافته پس از انقلاب صنعتی و بر اساس نیازهای زمانه دانست. به طور خلاصه، باید اذعان داشت که حقوقی که به لحاظ نظری در قرن هفدهم و هجدهم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، در آغاز قرن نوزدهم با غلبه انقلاب صنعتی از نظر سیاسی تثبیت شد و در پایان همان قرن تثبیت شد. شهروندی به عنوان یک سیستم حمایتی فردی در قرن بیستم در پاسخ به مسائلی مانند محرومیت نژادی و سایر اشکال نابرابری اقتصادی و تفاوت قدرت در مقابل گروه‌هایی مانند زنان، کودکان و افراد دارای معلولیت توسعه یافت. وی ضمن ادامه دفاع از حقوق شهروندی، روند جهانی شدن حقوق بشر را مشاهده کرد. این دوره با حمایت اقلیت‌ها و گروه‌های خاص آغاز شد و به تدوین اسناد بین‌المللی درباره اقلیت‌ها، خاص، برخی اقلیت‌های مذهبی و ملی منجر شد.

### ۴-۱. پیشینه و تحولات حقوق شهروندی در ایران

اگرچه حقوق شهروندی در اروپا با این عبارت برقرار شد، اما از نظر مفهومی، این حقوق قرن‌ها قبل از اروپا در ایران و اسلام مدون شده بود. اعلام سهولت و تدبیر کوروش کبیر در روابط با اقوام و مذاهب دیگر پس از به قدرت رسیدن، نمونه‌ای از کندهای ایرانیان در توجه به حقوق شهروندی است (افضلی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). همچنین در بسیاری از آموزه‌های دین مبین اسلام توجه به



مبانی و جنبه‌های مختلف حقوق شهروندی کاملاً مشهود است. نمی‌توان جایی برای حقوق شهروندی در تاریخ معاصر ایران پیدا کرد. نظام رژیم و رژیم حاکم بر ایران چندان به صدا و حقوق مردم توجه نداشت. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران جلب توجه به این موارد نقض حقوق بشر بود (جنیدی، ۱۳۸۷: ۳۵). یکی از مشهورترین متون مربوط به حقوق شهروندی در عصر جدید، فرمان امیرکبیر در دوره ناصرالدین شاه است و بر حفظ حقوق بشر توسط حاکمان و نمایندگان آن‌ها تأکید شده است. پس از اصلاح قانون اساسی، ایران برای اولین بار صاحب قانون اساسی واحد شد. قانون اساسی مشروطه مانند قرارداد ملی قدرت مطلقه شاه را محدود می‌کرد. در متمم قانون اساسی در قسمتی با عنوان «حقوق ملی» بر مهمترین حقوق انسانی و اجتماعی در هجده ماده تأکید شده است (اصل ۸-۲۶). با ظهور حکومت مطلقه در دوران پهلوی، کار کرد و کارآمدی قانون اساسی را به چالش کشید. رعایت نکردن چنین قوانینی در دوران حکومت پهلوی در ایران افزایش یافت و حقوق مردم نادیده گرفته شد. با انقلاب اسلامی ایران، دومین قانون اساسی مدون در سال ۱۳۵۸ تصویب شد. در قانون اساسی جدید برای نهادینه کردن حقوق و امتیازات ملت که شامل مردم ایران از اقوام، مذاهب و مذاهب مختلف می‌شد، فصل جداگانه‌ای در نظر گرفته شد که می‌توان آن را مبنای حقوق شهروندی در قانون اساسی دانست (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴). حقوق شهروندی ترکیبی از وظایف و مسئولیت‌های افراد در قبال یکدیگر، شهر و دولت است و شامل حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی است. این مجموعه حقوق و تعهدات را «حقوق شهروندی» می‌نامند (سعی ارسی، ۱۳۹۱: ۱۲). حق شهروندی بهره‌مندی افراد یک جامعه از کلیه حقوق فردی و اجتماعی است، حق شهروندی ترکیبی از وظایف و مسئولیت‌های افراد در قبال یکدیگر، شهر و دولت است. به مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات حقوق شهروندی می‌گویند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت تاریخی و آموزه‌های ادیان مقدس به ویژه اسلام و زرتشتی، یکی از کشورهای است که اساس شهروندی را بنا نهاد. فرامین شاه و منشور بزرگ کوروش و قوانین حمورابی از جمله این قوانین است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سند حقوقی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در همه پرسی سال ۱۳۵۸ جایگاه ویژه‌ای را برای حقوق شهروندی باز کرد. (اصغری جیره‌شده و میرزائزاد جیره‌شده، ۱۳۹۷: ۷۲).

## ۲. جایگاه حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران

در نظام حقوقی جدید ایران، مهم‌ترین اسناد حقوق شهروندی در قالب احکام قانون اساسی و قبل از آن در قالب فرمان قانون اساسی آمده است. قانون اساسی و قانون اساسی اتباع ایران را از اتباع صرف و تابع حکومت به اتباع ایران تبدیل کرد. قانون اساسی فقط در قالب کلمات باقی ماند، اما قانون اساسی یک شهروند کامل را با سر روشنی از کرامت انسانی ارائه کرد. مهم‌ترین قسمت قانون اساسی که به حقوق شهروندی ایرانیان می‌پردازد، فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» است. این فصل از ماده چهل و سوم به تأمین و تأیید حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی شهروندان اشاره دارد. اما سایر اصول حقوق در زمینه سایر فصول به حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی اشاره شده است. مواد چهل و ششم و چهل و هفتم به قانون اموال شخصی یا ماده یکصد و شصت و نهم اشاره دارد. در اصل حقوقی جرائم، پیام ایشان با تأکید بر اینکه همه آحاد ملت اعم از زن و مرد به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند، به این هدف بزرگ اکتفا نکرد و در پایان پیام بیانگر مفاهیم جدیدی بود. مانند حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی که در قانون اساسی یک کشور اعمال نمی‌شود. ناقص و ناپایدار است. اصل ۲۰ به صراحت بیان می‌کند که مردم یک ملت به ترتیب دارای کلیه حقوق فردی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود هستند. طبق موازین اسلامی. در این راستا می‌توان از اصل ۳۴ بند ۳ اصل ۱۰ اصل ۱۵۸ استفاده کرد و وی ۱۱ ماده ۲۳ و ۳۲، ماده ۳۸، ماده ۳۹ و ۱۶۱ را منطبق بر حقوق شهروندی دانست (فغان نژاد و ثوری، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

### ۱-۲. حقوق شهروندی در ایران

قبل از انقلاب مشروطه ایران، ایران هیچ حقوق مدنی مدون یا صریحی نداشت. البته وجود حقوق مدون به معنای فقدان حقوق شهروندی نیست. ایران از دیرباز محل زندگی اقلیت‌های مذهبی و قومی مختلف بوده است و اقلیت‌های مذهبی احکام و مناسک



مذهبی خود را در محیط‌های خصوصی انجام می‌دهند. پس از انقلاب مشروطه، ایران برای اولین بار دارای قانون اساسی مدون شد. قانون اساسی مشروطه قدرت مطلق شاه را به عنوان آئینه‌ای بین دولت و ملت محدود می‌کرد. در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی سرانجام اصلاحات قانون اساسی در فصل «حقوق ملت، مهم‌ترین حقوق فردی و مدنی بر اساس هجده دلیل» به تصویب رسید. (اصول ۸ تا ۲۶) مورد تأیید قرار گرفت (احمدی طباطبائی، ۱۳۸۸: ۹).

### ۳. رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر

با توجه به خلط مفهوم حقوق شهروندی با حقوق بشر در بسیاری از مطالعات و قوانین موجود، در این بخش برای غنای بیشتر محتوای مقاله، به اختصار به ارتباط این دو مفهوم می‌پردازیم. باید گفت که مفهوم حقوق شهروندی جدیدتر از اصطلاح حقوق بشر است و آغاز حقوق شهروندی را می‌توان همزمان با پیدایش دولت‌های ملی دانست. زیرا با پیدایش این حکومت‌ها، افراد جامعه به حقوق و تکالیفی دست می‌یابند که در رژیم گذشته حتی برای بردگان تصور نمی‌شد (تقی پور، ۱۳۹۰، ۳۵). از این رو امروزه مفهوم حقوق بشر اغلب در کنار حقوق شهروندی مطرح می‌شود و این مفاهیم گاه به جای یکدیگر و به جای هم به کار می‌روند، اما خطوط باریکی از تفکیک مفهومی بین این دو وجود دارد. حقوق بشر به حق انسان بودن هر فرد اشاره دارد. این دسته از حقوق بشر می‌تواند فردی، جمعی، ملی یا بین‌المللی باشد. معاهدات امروزی و حقوق بشری که پدید آمده است، بدون توجه به نگرانی دولت‌ها، حقوق بشر را گرفته است. از سوی دیگر، حقوق شهروندی در جایی تقویت می‌شود که حقوق بشر باید شکل قانونی و اداری در داخل دولت تحت حکومت درست پیدا کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که بین این دو مفهوم رابطه کامل و مهمی وجود دارد. این بدان معناست که حقوق مدنی شامل تمام جنبه‌های حقوق بشر می‌شود، اما نمی‌توان همه حقوق مدنی را در چارچوب حقوق مدنی در نظر گرفت.

البته با نگاه دقیق‌تر به معانی و خاستگاه فلسفی این دو حق، وجه مشترکی خواهیم یافت. این شامل برابری، آزادی و استقلال انسانی است. اعمال حقوق شهروندی مستلزم برخورداری از حقوقی است که ما به عنوان حقوق بشر می‌شناسیم و بسیاری از این حقوق توسط معاهدات و قطعنامه‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و تضمین شده است. حامیان و ضامن اصلی این دو حق دولت‌ها هستند. در واقع می‌توان گفت که حقوق مدنی و سیاسی در منطقه با حقوق بشر و حقوق شهروندی منطبق است (فلاح زاده، ۱۳۸۶: ۶۱).

### ۴. آموزش و تربیت شهروندی

آموزش مدنی مفهومی بحث برانگیز است. گیلی در تبیین مفهومی تربیت شهروندی سه مؤلفه مرتبط با هم را تحت عنوان دانش مدنی، مهارت‌های مدنی و نگرش مدنی مورد توجه قرار داده و آن‌ها را یکی از عناصر اصلی تعریف شهروندی می‌داند (فتحی واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸: ۱۱۹). وی سه عامل فوق را در نظر می‌گیرد: د. دانش شهروندی مفاهیم اساسی و اطلاعاتی است که فراگیران برای تبدیل شدن به شهروندانی مسئول و مؤثر در یک دموکراسی باید بدانند و به کار گیرند. مهارت‌های شهروندی مهارت‌های فکری مورد نیاز برای درک، تفسیر، مقایسه و ارزیابی سیاست‌ها و عملکردهای دولت و شهروندی است. مهارت‌های شهروندی همچنین شامل مهارت‌های مشارکتی است که شهروندان را قادر می‌سازد تا بر سیاست‌های دولت نظارت کرده و بر آن‌ها تأثیر بگذارند. نگرش شهروندان شامل شخصیت، احساسات، تعهد مورد نیاز برای حفظ و گسترش حکومت دموکراتیک و ملیت است. نمونه‌هایی از نگرش شهروندان عبارتند از: احترام به ارزش‌های انسانی، صداقت، بردباری و تساهل، شفقت و میهن پرستی، تعهد به حقوق بشر، منافع انسانی، برابری و اجرای قانون. گویا یکی تربیت شهروندی را توسعه دانش، مهارت‌ها و نگرش شهروندی در فراگیران می‌داند. فرآیند شهروندی را آماده سازی جوانان برای ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های شهروندی تعریف می‌کند (فتحی واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

### ۴-۱. آموزش شهروندی و چالش‌ها



آموزش شهروندی در مورد چگونگی تشویق مردم به پذیرش نقش شهروندی و تمرکز بر منافع جمعی است. شهروندی از یک سو دارای ابعاد سیاسی و ساختاری است و از سوی دیگر شامل ابعاد عاطفی مرتبط با فرهنگ و هویت فرد است. در پایین ترین سطح، شهروندان باید از مسئولیت‌ها، حقوق و هویت‌های مختلف خود آگاه باشند. بدیهی است که کسب این دانش مستلزم آموزش حقوق بشر است و محیط یادگیری را فراهم می‌کند که در آن احساسات و انتخاب‌های افراد فضایی برای کشف و تقویت داشته باشد. آموزش شهروندی به عنوان ابزاری برای ایجاد حس تعلق و احساس هدف در زندگی برای اعضای جامعه استفاده می‌شود. هدف اصلی برنامه‌های آموزش شهروندی، مشارکت دادن افراد در فعالیت‌های مرتبط با حوزه زندگی آن‌ها (جامعه) است. آموزش مؤثر شهروندی باعث ایجاد اعتماد به نفس می‌شود و رفتار مسئولیت پذیر اجتماعی و اخلاقی را از همان ابتدا آموزش می‌دهد. یکی دیگر از جنبه‌های این آموزش، درگیر کردن افراد جامعه با وضعیت معیشتی و مشکلات شهروندان ساکن در آنجا است. امروزه آموزش شهروندی با درک چالش‌های جامعه مدرن که برخی از آن‌ها توسط دیالوگ مطرح شده است، به دنبال القای اصول اولیه شهروندی برای مردم است. این چالش‌ها عبارتند از:

- امروزه مردم موانع ملی را درک می‌کنند و به سرعت به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند.
- امروزه مردم علاوه بر حقوق فردی، از حقوق اقلیت‌های محلی نیز آگاه هستند.
- مردم امروز می‌دانند که ساختارهای سیاسی موجود در حال فروپاشی است و ساختارهای سیاسی جدید در حال رشد هستند.
- امروزه نقش و جایگاه زنان در جامعه تغییر کرده است.
- امروزه مدل‌های اشتغال و کسب‌وکار تغییر کرده و اقتصاد جهانی تأثیر عمیقی بر روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذاشته است.
- امروزه جمعیت جهان رو به افزایش است و عواقب نامعلومی بر وضعیت زندگی مردم بر جای می‌گذارد.
- امروزه انقلاب اطلاعات، ارتباطات و فناوری تأثیرات عظیمی بر جامعه گذاشته است.
- امروزه شکل جدیدی از جامعه در حال ظهور است و با آن اعتراض نیز همراه است.
- امروزه همه کشورهایی که با چالش‌های فوق مواجه هستند به یک باور مشترک دست یافته‌اند و آن، نقش مهمی است که نظام تعلیم و تربیت، به ویژه، تعلیم و تربیت شهروندی می‌تواند در پاسخ به این چالش‌ها ایفا کند.

#### ۴-۲. آموزش و پرورش و شهروندی

آموزش و پرورش در جوامع امروزی به عنوان کلیدی‌ترین نهاد آموزشی در جهت توسعه همه جانبه به شمار می‌رود. چرا که در پرتو آموزش است که انسان‌ها متحول می‌شوند. بر پایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می‌گیرد و عامه مردم به طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند. انسان باید ارزش پیدا کند و تربیت او مبنای توسعه قرار گیرد. چون هدف از آموزش و سرمایه گذاری آموزشی کشف و توسعه منابع انسانی در جهت تعالی بخشی ارزش‌ها و استعدادها و بهینه کردن آن است چون محور اصلاحات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در کلیه ممالک توسعه یافته، انسان بوده می‌باشد. آموزش مهم‌ترین رکن برنامه ریزی جامعه است و کلیدی‌ترین عنصر در توسعه یک جامعه مردم آن جامعه هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارت‌های گوناگون برخوردار باشند. این منبع پایان ناپذیر است. باید آن را ترکیب کرده، تمرین داده، مجهز ساخت. این قدرت دفاعی خواه ناخواه، در یک آینده نزدیک گرانبهارترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود... در کشور ژاپن تربیت انسان‌ها، بهترین مسأله است و کسانی که در نظام آموزشی کار می‌کنند افراد بسیار محترم و با پرستیژ اجتماعی والایی هستند همین آموزش دهندگان هستند که در واقع، توسعه و زمینه‌های آن را (از طریق تربیت شهروندانی آگاه و مسئول) فراهم می‌آورند و ارزشمندترین سرمایه‌های انسان‌های با فرهنگ، آموزش دیده و با شخصیت آن جامعه (شهروندان مدنی) هستند. بنابراین زمانی آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق بپرورد و این امر میسر نیست مگر از طریق آموزش بهینه شهروندی و نیز ارتقاء فرهنگ شهروندی (فرمیپنی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۲).



#### ۴-۳. ابعاد آموزش شهروندی

آموزش شهروندی را می‌توان درسه بعد شناختی یا دانشی، عاطفی یا ارزشی و رفتاری تقسیم کرد. در حوزه شناختی یا دانشی تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن اطلاعاتی درباره ساختار حکومت، روابط حکومت و مردم و ساز و کارهای توزیع قدرت است در واقع در حوزه شناختی دانش آموزان به آگاهی شهروندی دست می‌یابند. آگاهی شهروندی شامل ایده‌ها و اطلاعات اساسی است که برای تبدیل دانش آموز به یک شهروند مسئول و مؤثر لازمند. در بعد عاطفی یا ارزشی یا فضیلت‌های شهروندی، مواردی همچون احترام و ارزش به شأن و حرمت افراد، میهن پرستی خودانضباطی تساهل و همبستگی یا وحدت، احترام به حقوق دیگران تمایل به نقادی می‌باشد. در حوزه رفتاری یا مشارکت، تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن مهارت‌های لازم برای زیستن در جامعه شهروندی است. توانایی انجام گفتگو مؤثر با دیگران، شرکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی و فعالیت‌های اجتماعی همچون رأی دادن است (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۴۴).

#### ۴-۴. تاریخچه آموزش حقوق بشر و شهروندی از منظر اسناد و قوانین بین‌المللی

نگاهی گذرا به تحولات نیم قرن اخیر امروز نشان می‌دهد که جامعه جهانی دیگر نمی‌تواند ادعا کند که حقوق بشر و حقوق شهروندی از مشکلات داخلی دولت‌هاست و دولت‌ها این حقوق را زیر پا می‌گذارند یا این حقوق را ترویج و حمایت می‌کنند. امروزه احترام به حقوق بشر و شهروندی در کنار دموکراسی به عنوان عاملی برای ارزیابی مشروعیت دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد تا جایی که نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر توسط یک دولت می‌تواند منجر به «مسئولیت بین‌المللی» یک دولت شود. جامعه جهانی پس از گذر از مرحله استانداردسازی به حقوق بشر، بحث ایفای تعهدات قانونی مطرح شد، سپس مشکل «تبلیغ و آموزش این مفاهیم» افراد و اقشار مختلف به ویژه آموزش آن مطرح شد. و ارتقاء در مدارس هدف نهایی آموزش و اشاعه و توسعه حقوق بشر و حقوق شهروندی ایجاد تفکر حقوق بشری و در نهایت ایجاد «فرهنگ حقوق بشر» است. بریم سراغ اعلامیه کوروش کبیر و سخنرانی پیامبر (ص) در اسلام، حاج الوداع، که در مورد ثروت زندگی انسان و حفظ آبرو در قرن هفتم پس از میلاد صحبت می‌کند، من آغازهای اولیه اعلامیه حقوق بشر در قرن سیزدهم در انگلستان را «منشور مگنا مارتا» می‌نامم. در ماده ۶۳ آمده است که «پادشاه انگلستان خدا را گواه می‌گیرد که حقوق و آزادی‌های جامعه مندرج در این فرمان را تصدیق می‌کند.» (بسته نگار، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۹). با این حال، تاریخچه آموزش حقوق بشر و تعهدات شهروندی را می‌توان به سال ۱۹۴۸، سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، ردیابی کرد. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناختن حقوق بشر گفته شده است. مجمع عمومی ضمن یادآوری عزم خود برای احترام به جهان و حمایت از حقوق و آزادی‌های بشر به عنوان پایه‌های آزادی، عدالت و صلح، اعلامیه جهانی حقوق بشر را هدف مشترک همه ملت‌ها اعلام کرد. همه کشورها، و در نتیجه همه مردم و همه بخش‌های جامعه، باید از این اعلامیه حمایت کنند و برای توسعه احترام به این حقوق و آزادی‌ها از طریق آموزش تلاش کنند (امیرارجمند، ۱۳۸۱: ۷۶ و ۷۱). در کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران در سال ۱۹۶۸، برای بررسی پیشرفت‌های حاصل از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و برنامه‌ریزی برای آینده، از همه کشورها خواسته شد تا از مواد مطالعه استفاده کنند، بنابراین جوانان. توسعه و شکوفایی در محیطی سرشار از احترام به کرامت و برابری حقوق بشر.

جدای از آن، در سال ۱۹۷۴ بود که پس از تصویب پیشنهاد "یونسکو" در مورد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، آموزش حقوق بشر در اولویت کشورها قرار گرفت. هدف این اعلامیه رساندن حقوق بشر به سطوح مختلف آموزشی و تشویق به انجام اقداماتی برای تضمین تحقق حقوق بشر و حمایت از حقوق بشر و شهروندی بود (اسلامی، ۱۳۹۱: ۳۴). از آن زمان، درخواست‌ها و تلاش‌های بین‌المللی دیگری در رابطه با حقوق بشر و آموزش شهروندی وجود داشته است. کنگره بین‌المللی آموزش حقوق بشر که در سال ۱۹۷۸ در وین برگزار شد، این مفهوم را با تأکید بر ضروری بودن حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (که نمونه‌هایی از آن آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی است) گسترش داد. در همان سال، یونسکو اعلامیه‌ای درباره تبعیض نژادی و قومی صادر کرد که بیش از هر سند دیگری در زمینه آموزش به طور کلی و همچنین منع تبعیض در آموزش و اعلامیه مندرج در بند ۲ ماده ۵ را شامل می‌شود. از مانیفست این وظیفه دولت است که کتاب‌های درسی را بررسی کند. آموزش در



همه کشورها نشان دهنده رفع تبعیض است. و در ماده ۱۰ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۹۷۹)، دولت‌ها باید اقدامات مناسبی را برای آموزش زنان بر مبنای برابر با مردان و آموزش آن‌ها در مورد نقش زنان اتخاذ کنند. کتاب‌های درسی برای از بین بردن هر گونه کلیشه‌ای و «مردان در همه سطوح باید بازنگری شوند» و با مشارکت ناظران کشورهای جامعه آسیا و اقیانوسیه و آژانس‌های تخصصی مختلف سازمان ملل انجام شد. همچنین در چارچوب رویدادهای چهلمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی. در مورد حقوق بشر، مرکز حقوق بشر سازمان ملل در اواخر سال ۱۹۸۸ سمیناری بین‌المللی در ژنو ترتیب داد (امیرارجمند، ۱۳۷۸: ۱۶۲). دامنه آموزش حقوق بشر و شهروندی در سال ۱۹۹۳ با برگزاری کنگره بین‌المللی حقوق بشر و آموزش دموکراتیک در مونترال افزایش یافت. این کنگره با تاکید بر پیوند حیاتی حقوق بشر و دموکراسی و تاکید بر آموزش رسمی و غیررسمی در این مقوله، توجه بیشتر به آموزش در بخش‌های خاص و شرایط بحرانی و رعایت حقوق بشر وظیفه همه مردم، دولت‌ها و افراد و سازمان‌هاست. منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندان آگاه هستند که این زمینه با آموزش حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در سایر اسناد حقوق بشر انجام می‌شود. در این کنگره بین‌المللی، برنامه جهانی اقدام در زمینه حقوق بشر و آموزش دموکراتیک به تصویب رسید و هدف از این برنامه تشویق دولت‌ها و جامعه بین‌المللی برای ایجاد فرهنگ صلح مبتنی بر حقوق بشر و ترویج به رسمیت شناختن بیشتر انسان‌ها است. حقوق در سطح ملی و بین‌المللی. علاوه بر این، هدف اصلی این برنامه ایجاد فرهنگ حقوق بشر و توسعه یک جامعه دموکراتیک است. سند مهم دیگر در مورد آموزش حقوق بشر، اعلامیه وین است که در سال ۱۹۹۳ تصویب شد و پنج بند را برای آموزش حقوق بشر ارائه می‌کند. «سازمان دهه مردمی آموزش حقوق بشر» اکنون به «جنش مردمی برای آموزش حقوق بشر» تغییر نام داده است. در سال ۱۹۸۸ تأسیس شد. این سازمان مستقل، بین‌المللی و غیرانتفاعی است و نیاز به رشد دارد. و پیشگام در یادگیری حقوق بشر، سعی می‌کند آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار گیرد. این سازمان و برخی دولت‌های دیگر مانند دولت کاستاریکا و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ بیانیه‌ای صادر کردند و از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ به عنوان دهه آموزش حقوق بشر نامگذاری کردند. از جمله فعالیت‌های پیش بینی شده در این دهه، نیاز به تصویب یک برنامه ملی آموزش حقوق بشر است که به طور مؤثر تنها در چند کشور از جمله فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی اجرا می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۴: ۳۵). برنامه اقدام دهه آموزش حقوق بشر همچنین بر لزوم گسترش آگاهی نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌ها و سایر اسناد بین‌المللی در مورد حقوق بشر و شهروندی تاکید کرد. در این سند بر آموزش حقوق بشر بر اساس شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردم و همچنین تغییر نگرش مردم از طریق آموزش حقوق بشر و دگرگونی رفتار مردم تاکید شده است و در نهایت «اعلامیه سازمان ملل در مورد آموزش حقوق بشر» در سال ۲۰۱۱ به وضوح تأیید شده است. نشان دهنده یک اجماع بین‌المللی در مورد اهمیت حقوق بشر و آموزش شهروندی است. در واقع، این بیانیه از اهداف قطعنامه دهه آموزش حقوق بشر و قطعنامه بعدی تأیید شده توسط کمیسیون حقوق بشر در دستور کار جهانی آموزش حقوق بشر پیروی می‌کند (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۵). آنچه به صورت مختصر در سیر تاریخی حق بر آموزش بطور کلی و حق بر آموزش حقوق بشر و شهروندی بیان شد، مشخص می‌نماید که امروزه بیش از هر زمان دیگر نیاز به نقد و تجدید نظر در موضوع آموزش حقوق بشر و شهروندی دارد.

**۴-۴-۱. محتوا و اهداف آموزش حقوق بشر و شهروندی در اسناد و قوانین بین‌المللی حقوق بشری**

محتوای آموزش حقوق بشر از نگاه اسناد و قوانین بین‌المللی تمامی آموزش‌هایی که به دانش، مهارت و ارزش‌های حقوق بشری و حقوق شهروندی مربوط می‌شوند، جزئی از آموزش حقوق بشر و شهروندی هستند. بطور کلی در آموزش حقوق بشر و شهروندی، انتظار می‌رود مخاطبین با سه حوزه آشنایی پیدا کنند: آگاهی و دفاع از حقوق بشر و حقوق شهروندی خود وهم نوعان خود، احترام به حقوق برابر دیگران و یادگیری حمایت در حد ممکن از حقوق بشر دیگران (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۱). هرچند که لازم است در آموزش حقوق بشر و شهروندی به هر گروه هدف و هر مخاطب خاص، مطالب مشخصی آموزش داده شود. یعنی محتوای آموزش حقوق شهروندی و بشر می‌تواند براساس نیازهای آموزشی گروه مخاطبین متفاوت باشد ولی مواردی وجود دارد که می‌تواند در تمامی دسته‌های مخاطبین یکسان آموزش داده شوند از قبیل: آموزش تاریخچه و اسناد حقوق بشر و شهروندی

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۰۰۶ - داخلی ۲۳۶ و ۲۳۳





مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین بین‌المللی و اعلامیه دهه آموزش حقوق بشر و آموزش مسئله محور در فرآیند آموزش حقوق بشر که بر مشکلات حقوق بشری و شهروندی تمرکز نماید، امری اجتناب ناپذیر می‌نماید، و تعلیمات موضوعات روز حقوق بشر از دیگر نکات حائز اهمیت در آموزش حقوق شهروندی و آموزش حقوق بشری است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه راجع به دهه آموزش حقوق بشر (۲۰۰۴-۱۹۹۴) اعلام کرده است که آموزش حقوق بشر باید شامل چیزی بیش از آموزش مواد و موازین حقوق بشری مندرج در اسناد و قوانین حقوق بشر باشد. آموزش حقوق بشر باید آیین زندگی را یاد دهد و مردم به وسیله آن یاد بگیرند که در تمامی برهه‌های زندگی و مراحل توسعه به کرامت ذاتی دیگران احترام بگذارند. (انصاری، ۱۳۹۳: ۲۴۷) اعلامیه کنفرانس وین ۱۹۹۳ بر گنجاندن، صلح، دموکراسی، توسعه و عدالت اجتماعی، حقوق بشردوستانه و حاکمیت قانون در محتوای آموزش‌های حقوق بشری تاکید می‌نماید. اعلامیه آموزش حقوق بشر، محتوای آموزش حقوق بشر را شامل این سه آموزش دانسته است: ۱- آموزش حقوق بشر که در آن شناخت و شناخت قواعد و اصول حقوق بشر و ارزشهایی که مبنای آنهاست و ابزار حمایت از آنها است داده شود. ۲- آموزش از طریق حقوق بشر که شامل آموزش به نحوی است که حقوق مربیان و فراگیران رعایت شود. ۳- آموزش حقوق بشر که شامل توانمندسازی افراد برای برخورداری از حقوق خود و احترام به حقوق دیگران است. از دیدگاه اسناد و قوانین بین‌المللی مصوب سازمان ملل، اهداف آموزش حقوق بشر، اهداف آموزش حقوق بشر را می‌توان به وضوح و روشنی درک کرد. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، "به رسمیت شناختن کرامت ذاتی همه اعضای خانواده بشری و حقوق مساوی و مسلم آنها برای آزادی، عدالت و صلح اساس است". علاوه بر این، ماده ۲۶ نیز به وضوح بر هدف تقویت و احترام به حقوق و آزادی‌های بشر تأکید دارد. کنگره بین‌المللی حقوق بشر در وین (۱۹۷۸) اهداف آموزش حقوق بشر را اینگونه تعریف می‌کند: «تشویق ارتباطات مبتنی بر تنوع، احترام و همبستگی، کسب دانش و درک حقوق بشر و توانمندسازی مردم برای اطلاع رسانی در مورد راه‌ها و به معنای. با کمک آنها می‌توان حقوق بشر را به واقعیت اجتماعی و سیاسی تبدیل کرد (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۸). برنامه اقدام دهه آموزش حقوق بشر، هدف آموزش حقوق بشر را برای دستیابی به پنج نتیجه زیر حفظ می‌کند. الف) تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛ ب) تردیدهای همه جانبه در مورد مفهوم شخصیت انسان و حیثیت و ارزش شخصی آن. ج) ترویج تفاهم خوب، تنوع، برابری بین زن و مرد و دوستی بین همه کشورها، مردمان بومی و گروه‌های قومی، ملی، قومی، مذهبی و زبانی. د) همه مردم از ابزارهای لازم برای مشارکت واقعی در یک جامعه آزاد بهره مند شوند. ه) تقویت و تقویت فعالیت‌های سازمان ملل متحد برای حفظ صلح. باشد. آموزش حقوق بشر باید آیین زندگی را یاد دهد و مردم به وسیله آن یاد بگیرند که در تمامی برهه‌های زندگی و مراحل توسعه به کرامت ذاتی دیگران احترام بگذارند (انصاری، ۱۳۹۳: ۲۴۷). اعلامیه کنفرانس وین ۱۹۹۳ بر گنجاندن، صلح، دموکراسی، توسعه و عدالت اجتماعی، حقوق بشردوستانه و حاکمیت قانون در محتوای آموزش‌های حقوق بشری تاکید می‌نماید. اعلامیه آموزش حقوق بشر، محتوای آموزش حقوق بشر را شامل این سه آموزش دانسته است:

- ۱- آموزش درباره حقوق بشر که مشتمل است بر ارائه دانش و فهم قواعد و اصول حقوق بشر و ارزشهایی است که مبنای آنها هستند و ساز کارهای حمایت از آنها.
- ۲- آموزش از مجرای حقوق بشر که مشتمل است بر آموزش به روشی که به حقوق تعلیم دهندگان و آموزش بینندگان احترام بگذارند.
- ۳- آموزش برای حقوق بشر که مشتمل است بر توانمند کردن اشخاص تا از حقوق خود متمتع شوند و به حقوق دیگران احترام بگذارند.

#### ۴-۴-۲. اهداف آموزش حقوق بشر از نگاه اسناد و قوانین بین‌المللی

از طریق اسناد تأیید شده توسط سازمان ملل می‌توان اهداف آموزشی حقوق بشر را به وضوح و روشن درک کرد. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، «به رسمیت شناختن کرامت ذاتی همه اعضای خانواده بشری و حقوق مساوی و غیرقابل انکار آنها، اساس آزادی، عدالت و صلح است». علاوه بر این، ماده ۲۶ نیز به صراحت بر هدف حمایت و احترام به حقوق



و آزادی‌های بشر تاکید دارد. کنگره بین‌المللی حقوق بشر در وین (۱۹۷۸) هدف از آموزش حقوق بشر را این گونه اعلام کرد: «ارتقای روابط مبتنی بر تنوع، احترام و وحدت، کسب دانش و اطلاعات در مورد حقوق بشر و آگاهی مردم از راه‌ها و ابزارها. در برخورد با آن‌ها، حقوق بشر می‌تواند به واقعیت اجتماعی و سیاسی تبدیل شود.» در برنامه عملی دهه آموزش حقوق بشر، هدف از آموزش حقوق بشر دستیابی به نتایج پنج گانه زیر فرض شده است. (ج) ارتقای درک خوب، تنوع، برابری زن و مرد و دوستی میان همه مردم تنوع ملی، ملی و قومی، ملی، قومی، مذهبی و زبانی، (د) منابع لازم برای مشارکت مؤثر در جامعه آزاد را برای همه فراهم کند. (۵) ترویج و گسترش کار سازمان ملل متحد برای حفظ صلح (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۸).

## ۵. اهداف و اصول آموزش شهروندی

تورنی پورتا، مهم‌ترین اهداف آموزش شهروندی را به شکل زیر مطرح نموده است:

افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی؛ فراهم آوردن زمینه برای رشد روحی و روانی؛ افزایش احترام و تساوی فرصت‌ها برای دختران و زنان؛ کمک به افراد در جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل و منطقی؛ مبارزه با بد رفتاری با محیط زیست؛ افزایش و تقویت غرور و افتخار در سطح جامعه محلی؛ ایجاد هویت ملی؛ حل تضادهای ناشی از حقوق، وظایف و ارزش‌های مختلف؛ تقویت روحیه مشارکت در عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه؛ بالابردن قدرت تحمل و بردباری. آموزش شهروندی به آن بخش از فعالیت‌های تعلیم و تربیت اطلاق می‌شود که در اشکال رسمی افراد یک جامعه را برای عضویت در جامعه سیاسی آماده و جامعه پذیر می‌کند. فیلسوفان سیاسی و مفسران بیان می‌دارند که ابعاد مفهوم شهروندی را می‌توان در یک طیف یا پیوستار قرارداد. که در ابتدا و انتهای طیف دو رویکرد یا تفسیر حداقلی و حداکثری از شهروندی وجود دارد (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۴).

فاسیرحداقلی، بر یک رویکرد رسمی و محدود به تربیت شهروندی منجر می‌شود، آنچه که اصطلاحاً «تربیت مدنی» خوانده می‌شود. تأکید این رویکرد بر برنامه‌های آموزش رسمی که از طریق برنامه‌های درسی مشخص، آموزش‌های نظری که محوریت با معلم است انجام می‌گیرد. تفاسیرحداکثری، یک تعریف وسیع از شهروندی را مشخص می‌کند، به طوری که همه گروه‌ها و علاقه‌مندان را در جامعه تحت پوشش قرار می‌دهد. هدف در این رویکرد فقط کسب دانش و آگاهی نیست، بلکه استفاده از این آگاهی‌ها و دانش‌ها برای افزایش میزان مشارکت در امور مختلف جامعه محلی و بین‌المللی است. در این رویکرد بر بحث و گفتگو، تعامل و تجارب مشارکتی، کارپروژه‌ای اهمیت داده می‌شود و تجارب درون و برون کلاس را شامل می‌شود. تفاسیرحداکثری به یک ترکیب وسیع از رویکردهای رسمی و غیررسمی منجر می‌شود که اصطلاحاً آموزش شهروندی نامیده می‌شود. آموزش شهروندی به طور عمده به عنوان ایجاد دانش، مهارت و نگرش‌ها و ارزش‌هایی اطلاق می‌گردد که قادر می‌سازد دانش آموزان به عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند آموزش شهروندی به آموزشی گفته می‌شود که به توسعه و پرورش مهارت‌ها و قابلیت‌ها و توانمندی‌های شهروندی منجر می‌شود چنین آموزشی الزماً در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع ملت‌های خاص قابل درک است. زیرا در هر جامعه‌ای ارزش‌ها طرز تلقی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همواره الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل می‌شود و فلسفه تأسیس نظام‌های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی می‌باشد (طالب‌زاده و فتحی، ۱۳۸۲: ۱۷).

آموزش شهروندی در هر جامعه‌ای تا حد زیادی تابع فرهنگ، تاریخ، حکومت و شیوه اداره آن کشور به طور کلی فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه است. مقوله آموزش شهروندی با آموزش ارزش‌ها به شدت گره خورده است و رموز و پیچیدگی‌های موجود در ارزش‌های حاکم بر هر جامعه‌ای تصویری متفاوت بر شهروندان و صلاحیت‌های ضروری آنان می‌دهد. برای مثال «لی» در مطالعه‌ای اهداف مهم آموزش شهروندی را مشتمل بر فراهم آوردن مبنایی برای رشد روحی و روانی افراد افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی و کمک به افراد در جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل شناسایی نموده است. به همین ترتیب فتحی در مطالعه‌ای، این اهداف را برای جامعه ایران در سه حیطة «شناخت و آگاهی مدنی»، «مهارت‌های مدنی» و «بینش مدنی» طبقه بندی نموده است (فتحی، ۱۳۸۱: ۸۶).

بوتس تاریخ‌دان برجسته تعلیم و تربیت اهداف آموزش شهروندی را در کشور آمریکا مورد مطالعه و بررسی قرار داده که این



اهداف را به دو دسته اساسی هدف‌های مرتبط به «وحدت و اتحاد» در جامعه و هدف‌های مرتبط با «تکثرگرایی» تقسیم می‌کند و زیرمجموعه هر یک از آن‌ها را به شرح زیر برمی‌شمارد:

۱ - وحدت و اتحاد در جامعه شامل عدالت، تساوی و برابری، قدرت و اقتدار، مشارکت، الزام شخصی برای خیر عمومی و مانند آن.

۲ - تکثرگرایی شامل آزادی، تنوع، حریم و حرمت شخصی، حقوق شخصی، حقوق بشر بین‌المللی و مانند آن به همین ترتیب «هلی‌گین» معتقد است که تدوین برنامه درسی شهروندی در آلمان باید به دنبال تحقق مقاصدی چون تضمین حقوق بشر و تأسیس نهادهایی که امکان فعالیت و ایفای نقش آزادانه را برای نیروهای اجتماعی مختلف فراهم کند، باشد.

#### ۱-۵. ضرورت تربیت و پرورش شهروندی در عصر جهانی شدن

امروزه با توجه به پیچیدگی عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم، آماده کند. چرا که جهانی شدن نه فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، برنامه ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی‌تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملتها صورت گیرد. فرایند جهانی شدن خصوصیات ویژه‌ای را برای شهروند قرن ۲۱ می‌طلبد که می‌توان آن‌ها را در سه قالب کلی و بدین صورت برشمرد:

۱ - دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن؛

۲ - دانش مهارت و نگرش دمکراتیک؛

۳ - توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات؛

این سه مفهوم به شدت درهم تنیده شده، اثرات متقابل و چندجانبه‌ای دارند. فناوری اطلاعات: باعث نزدیکی سریع و آسان افراد و ملتها شده است. این امر موجب شده است اگر تا دیروز مردم یک کشور به صورت محلی اندیشیده‌اند و به نحوه‌ی عمل دمکراتیک در درون خود می‌اندیشیده‌اند، امروزه به اقدام دمکراتیک در سطح جهانی، بین ملتها بیندیشند. فناوری اطلاعات باعث شده است تا جهان در عرصه‌ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به یکدیگر وابسته گردد و این وابستگی، لزوم اندیشه و عمل جهانی را پدید آورده است... در نهایت می‌توان گفت در قالب جهانی باید به صورت دمکراتیک عمل کرد و ابزار و اندیشه‌ی عمل دمکراتیک، فناوری اطلاعات است. چرا که با توجه به فرایند جهانی شدن آینده تربیت به طور جدی متأثر از فناوری‌های اطلاعاتی خواهد بود (فتحی و آجارگاه، ۱۳۸۵).

#### بحث و نتیجه‌گیری

باید بیان کنیم که متأسفانه طبق اصل ۳۰ قانون اساسی که در مورد آموزش رایگان است و دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد و این موضوع هنوز به‌درستی به مرحله اجرا درنیامده و کمبودهای فراوانی دارد و همان‌طوری که می‌دانیم در مدارس دولتی و هیئت‌امنائی هنوز هم مبالغ هنگفتی از مردم به بهانه‌های مختلف گرفته می‌شود هرچند آموزش و پرورش در این مورد نهایت تلاش خود را کرده‌است اما هنوز با کمبودهایی مواجه است من خود به‌عنوان یک معلم باید با استفاده از روش‌های متفاوت و بنا به سلیقه خود و تا جایی که امکانات در حد مدرسه فراهم است دانش‌آموزان را از مطالب خشک دور کنم و به سوی فعالیت‌هایی که پر از انعطاف و نوآوری هستند سوق دهم در این مورد هم معلم و هم دانش‌آموزان و هم مدارس باید در کنار هم به فعالیت‌های مؤثر بپردازند در کنار این موارد مشارکت والدین هم مؤثر است البته در جامعه بدلیل وجود مشکلات بسیار هنوز دولت‌ها نتوانسته‌اند فضایی مادی و غیرمادی را فراهم نمایند و دولت‌ها باید تعهد به رعایت حمایت کامل و ایفای آن همچنین اجرای فوری و یا تدریجی را بر عهده بگیرند. حق بر آموزش و پرورش از اساسی‌ترین حقوق بشری



است و به همه انسان‌ها متعلق است که برای شکوفایی استعدادهای خود به آموزش و پرورش نیاز دارند. رایگان و اجباری بودن آموزش هنوز به درستی انجام نمی‌شود افرادی که تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند باید طبق نیازها و ارزش‌های جامعه و اجتماع تربیت شوند تا مؤثر واقع شده این افراد باید با قواعد و ارزش‌های جامعه آشنا شوند.

## منابع

۱. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۸)، آموزش حقوق بشر، *مجله تحقیقات حقوقی*، (۲۶-۲۵).
۲. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۱)، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳. بنی اسدی، علی اکبر (۱۳۹۵)، بررسی اثرات اجرای آموزش مهارت‌های شهروندی بر ارتقاء معلومات حقوق شهروندی و رفتار زندگی جمعی کودکان و نوجوانان، *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت - اقتصاد و حسابداری*.
۴. تقی‌زاده، نفیسه و امیری، جمشید (۱۳۹۵)، بررسی جایگاه آموزش و پرورش در تربیت شهروندی، تهران، *اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی - تربیتی علوم انسانی و روانشناسی*.
۵. دیبا، طلعت و فتاحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۱)، *تربیت شهروندی*، تهران، نشر فخر.
۶. دلاور، علی (۱۳۸۲)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: انتشارات رشد.
۷. فلاح‌زاده، علی محمد (۱۳۸۶)، نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر، *مجله حقوقی دادگستری*، (۵۸).
۸. فنازاد، رضا (۱۳۹۱)، *ضرورت آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، معاونت تحقیقات، آموزش حقوق شهروندی قوه قضائیه*.
۹. فتاحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۵)، لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه‌ی درسی، *مجله نوآوری‌های آموزشی*، (۱۷).
۱۰. فرمیپنی فراهانی، محسن (۱۳۸۹)، *تربیت شهروندی*، تهران، انتشارات آبیژ.
۱۱. کلدی، علیرضا و پوردهناد، نگار (۱۳۹۱)، *ضرورت آگاهی نسبت به حقوق شهروندی، نشریه مطالعات شهری*، (۴)۲.
۱۲. محبی‌نیا، جهانبخش و نجفی، یوسف (۱۳۹۲)، *اصول و مبانی روش‌های علمی تحقیق در علوم انسانی*، تهران، ناشر دانشگاه فرهنگیان.
۱۳. نواب دانشمند، فریبا، «بررسی برخی روش‌های آموزش حقوق بشر، *مجله حقوقی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، (۳۷).
۱۴. همتی، مجتبی (۱۳۸۷)، *آموزش حقوق شهروندی، نشریه حقوق اساسی*، (۹).



## Looking at the Right to Health Education as a Citizen's Right

**Forough Ghasemian Hafeshjani**

M.A Student in Public Law, Department of law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran  
ggasemiyanarezo@gmail.com

**Yasser Roostae Hosseinabadi**

Assistant Professor, Department of Law, Shahid Ashrafi Esfahan, University, Esfahan, Iran  
(Corresponding Author)  
Yasserroostaei@yahoo.com

### Abstract

The most important issue that the government is responsible for in the direction of scientific protection and protection of citizen's rights is the fight against social, political, economic and administrative corruption. In the field of citizenship rights and the interaction of modern governments, which are presented in the three discourses of "welfare government", "regulatory government" and "supra-regulatory government", the discussion ground should be provided for the supervision of authorities and administrative bodies. At the end, the control of the government's performance to protect the rights of citizens is analyzed and the ways to deal with administrative corruption are examined. In fact, in citizenship rights, the nation and individuals share responsibility with the government. It is very important to note that in all cases of citizenship rights, conflict of interests is usually one of the obstacles to the implementation and realization of citizenship rights. The requirement of housing economy for producers is to increase profits. However, it is not possible for citizens to benefit from suitable housing without paying a suitable price. Compliance with environmental standards increases costs. Fair trial rules prevent the government from encroaching on individual and social rights and freedoms. These are all among the factors that prevent the full realization of citizenship rights. What makes it possible to remove these obstacles is the responsibility of citizenship. From this point of view, citizenship responsibility can be defined and interpreted as people's self-awareness of citizenship rights and everyone's feeling of need to implement these rights and participate in them.

**Keywords:** Human Rights, The Right to Citizenship, The Commitment of Government, The Right to Education